



جیسون دمارس
خدمت حقیقت حاضر
سپتامبر ۲۰۱۹

عیسی مسیح دیروز و امروز و تا ابدالآباد همان است.

عبرانیان ۸:۱۳

در سال ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱، هر سه ماه یکبار نامه‌ای تعلیمی می‌نوشتیم، که به زبان فارسی و اردو ترجمه می‌شد. ما شهادت‌های بسیاری در مورد مقالاتی که نوشته شد، دریافت نمودیم. از آنجا که سؤالاتی در مورد بسیاری از موضوعات و مطالب وجود دارد و همچنین تمایل زیاد به یادگیری و رشد کردن وجود دارد، این مسئولیت و انگیزه را حس نمودم که بار دیگر در بهار سال ۲۰۱۶ آن را آغاز نمایم. هدف و خواست ما ایستادن در تعالیم برادر برانهام و نشان دادن واضح آن تعالیم می‌باشد. این مسئولیت و کاری است که من برای آن فراخوانده شده‌ام.

نسخه‌ی ماه سپتامبر، سه موضوع مهم را پوشش می‌دهد:

۱. سرکشتی
۲. قدرت از طریق دعا
۳. برگزیدگی و از پیش مقدر شدگی

سرکشتی

پس از پوشش دادن موضوع ذریت مار، سپس بسیاری از مردم این سؤال را مطرح کردند که ذریت مار چطور از آن سیل در ایام نوح گذر کرد. این چیزی است که ما آن را سرکشتی می‌نامیم. دلیل مطرح شدن این سؤال بابت تعلیم عیسی در یوحنا باب ۸ است. اگر شما یوحنا ۳۹:۸ تا ۴۷ را بخوانید، کل پس‌زمینه را خواهید دید. عیسی به آنها می‌گوید که پدر آنها ابلیس است و فریسیان پاسخ دادند که آنها از زنا زاده نشده‌اند. بر این اساس متوجه می‌شویم که پس از سیل هنوز ذریت مار وجود دارد. این سؤال بسیار مناسب است، ذریت مار چطور به پس از سیل انتقال یافت؟ و این سری است که کلام خدا پاسخ می‌دهد.

بیاید با سه حقیقت قابل درک آن را آغاز کنیم.

۱. تمام نژاد از نوح و همسرش نشأت می‌گیرد.
۲. نوح در نسل خود کامل بود - او خالص بود، همچنین فرزند سقوط کرده‌ی آدمی بود که فرزند خدا بود.
۳. طبیعت ما از ژنتیکمان می‌آید، از پدر و مادر به ما منتقل می‌شود و از طریق تجربیاتمان

آدم و حوا در باغ عدن در زمان سقوط تغییر ژنتیکی در خود نداشتند. آنها جاودانگی‌شان را از دست دادند، اما تبدیل به چیزی متفاوت نشدند. آنها در گناهان و خطایا و سرپیچی‌ها مرده بودند، حکم مرگ را با خود حمل می‌کردند و به فرزندان خود انتقال دادند. با این حال، این ترکیب ژنتیک اولیه‌شان را تغییر نداد. نمی‌شد آدم را اغوا کرد، اما حوا را می‌شد.

"و آدم فریب نخورد، بلکه زن فریب خورده، در تقصیر گرفتار شد." اول

تیموتائوس ۱۴:۲

"او در ابتدای آفرینش نخستین نبود. او در آدم بود، اما خودش بعنوان جنس مؤنث در ابتدا نبود. او بصورت جانبی آفریده شد.

۱۱۲. حال، چیزی مانند یک زن طراحی نشده است که بتواند فریب دهد و فریب بخورد."^۱

همان طور که می‌بینیم، برادر برانهام به ما گفت که آدم نمی‌توانست فریب بخورد، چون او در آفرینش نخستین بود، اما حوا می‌توانست فریب بخورد. بنابراین، زمانی که آنها بچه آوردند در ذریت مار نبودند. اما فکر می‌کنید آیا می‌شد این فرزندان را فریب داد یا نه؟

"او فرستاده شده است تا بواسطه‌ی زیبایی و کنترل رابطه‌ی جنسی، اندامش که توسط شیطان به او داده شد و محصول جانبی که کار شیطان بود، پسران خدا را فریب دهد. او بیش از هر ابزار دیگر شیطان می‌تواند تعداد زیادی از ایشان را به راه جهنم بکشاند. این کاملاً درست است.

۱۷۳. من در مورد ناپارسیان صحبت می‌کنم، نه شما خواهران."^۲

بنابراین، ما به وضوح می‌بینیم که پسران خدا که از نسل آدم بودند، می‌توانستند فریب بخورند، همانند مادرشان حوا. آنها مملو از شرارت نبودند، لیکن شیطان اغواگری که بر دنیا حکمرانی می‌کند، از هر وسیله‌ای برای فریب دادن پسران خدا استفاده کرد.

ما می‌خوانیم که دو شاخه‌ی ذریت در طول زمان با هم ادغام شدند و شرارت بر تمامی بشر غالب آمد. همه چیز با هم ادغام شد. بیاید کلام خدا را بخوانیم.

"^۱ و واقع شد که چون آدمیان شروع کردند به زیاد شدن بر روی زمین و دختران

^۱ ۱م ۲۲-۶۵ ازدواج و طلاق، برادر ویلیام ماریون برانهام
^۲ ۱م ۲۲-۶۵ ازدواج و طلاق، برادر ویلیام ماریون برانهام

برای ایشان متولد گردیدند،^۲ پسران خدا دختران آدمیان را دیدند که نیکومنظرند، و از هر کدام که خواستند، زنان برای خویشان می گرفتند.^۳ و خداوند گفت: «روح من در انسان دائماً داوری نخواهد کرد، زیرا که او نیز بشر است. لیکن ایام وی صد و بیست سال خواهد بود.»^۴ و در آن ایام مردان تنومند در زمین بودند. و بعد از هنگامی که پسران خدا به دختران آدمیان در آمدند و آنها برای ایشان اولاد زاییدند، ایشان جبارانی بودند که در زمان سَلَف، مردان نامور شدند.^۵ و خداوند دید که شرارت انسان در زمین بسیار است و هر تصور از خیال‌های دل وی دائماً محض شرارت است.^۶ و خداوند پشیمان شد که انسان را بر زمین ساخته بود و در دل خود محزون گشت. "پیدایش ۶:۱-۶"

"توجه کنید که عیسی گفت: "چنان که ایام نوح بود، ظهور پسر انسان نیز چنان خواهد بود." زمانی که همه‌ی آنها سعی بر گرفتن زوجه داشتند... حال تماشا کنید، "پسران خدا با دختران نیکومنظر آدمیان وصلت کردند." و خدا هرگز آنها را بابت این کار نبخشد.

۱۲۰. درست مانند تعالیم بلعام که باعث شد زنان زیبا، روشن فکر و منطقی موآب... با چشمانی پر از غمزه، با آرایش، پودر و عطرهایشان پسران خدا را جذب کنند؛ برخلاف زنان خودشان که کار می کردند و دستانی پینه زده داشتند و بدون آرایش بودند. آنها را جذب کردند و "بیایید با یکدیگر وصلت کنیم، چون همه‌ی ما یکی هستیم." این یک دروغ بود! یک دروغ و یک دستاورد برای شیطان بود، تا کاری کند که پسران خدا با دختران آدمیان ازدواج کنند.^۳

بنابراین، فرزندان با طبیعت پسرخواندگی توسط زیبایی دختران آدمیان فریب خوردند، شاخه‌ی قائن. در نتیجه ما ادغام نژاد انسان را می بینیم. ژن قائن با ژن آدم ادغام شد.

^۲ ۱M ۸۰-۷۵، خدای این دوره‌ی شریر، برادر ویلیام ماریون برانهام

توجه کنید که برادر برانهام در مورد ژنتیک چه می گوید. ژنتیک از پدر و مادر می آید.

"حال، ژنتیک پدر و مادر در جسم این پسر خواهد ماند، جسم او بواسطه‌ی ادغام دو نژاد به او داده شده بود. بنابراین، این پسر درون خود دارای پیچیدگی است، درست مانند خانواده مادری‌اش و آنها بخشنده نیستند، آنها عذرخواهی نمی‌کنند و این جایی است که آن پسر ایستاده است."^۴

از آنجا که می‌دانیم نوح و همسرش سه پسر تولید کردند و این سه پسر تمام نژاد بشر را تولید کردند، می‌توانیم نتیجه‌گیری کنیم که همسر نوح یا ادغامی از شاخه‌ی آدم و قائن بود یا فقط از شاخه‌ی قائن بود.

"این است پیدایش نوح. نوح مردی عادل بود و در عصر خود کامل. و نوح با خدا راه می‌رفت." پیدایش ۹:۶

شجره‌نامه‌ی نوح کامل بود. او از نژادی خالص بود که از آدم و حوا نشأت می‌گرفت. او می‌توانست فریب بخورد، اما طبیعتی خالص داشت، بدون هیچ‌گونه لکه‌ی ژنتیکی از شاخه‌ی قائن بود. نوح سه پسر داشت، حام، سام و یافث. سام و یافث پسران خوبی بودند، اما حام در نظر خدا یک گناهکار شریر بود. خداوند، دی‌ان‌ای برگزیده شده‌ی فرزندخواندگی را در نسل انسان انتقال می‌دهد. همان‌طور که اکنون می‌بینیم، یک خانواده دو یا سه فرزند پارسا را که توسط خدا از پیش مقدر شده‌اند، تولید می‌کنند و ژنتیک خدا در آنها وجود دارد و یک یا دو فرزند شریر هستند و از خدمت به خداوند اجتناب می‌کنند.

نوح و همسرش دو پسر پارسا و یک پسر شریر تولید کردند. بنابراین، ما می‌فهمیم که همسر نوح دارای ژنتیکی است که شرارت را در حام ایجاد کرده است. این طبیعت

^۴ ۱۸۰۸-۶۵، پارادوکس، برادر ویلیام ماریون برانهام

ذريت مار، از شيطان، به تمام نژاد بشر به ارث رسیده است. به یاد داشته باشید، یک کودک جمعی از دی‌ان‌ای پدر و مادرش است. نه فقط پدر. مرد دارای اسپرم است که حاوی دی‌ان‌ای است و زن دارای تخمک است که همچنین حاوی دی‌ان‌ای است.

اگر به زمان سقوط بازگردیم، قائن پسر مار و حوا بود. او با مقداری دی‌ان‌ای پارسایی و مقداری شرارت متولد شد. سپس این شاخه با شاخه‌ی پسران خدا ادغام شد. سپس به نوح و همسرش می‌رسیم، آنها مابقی نژاد بشر را تولید کردند.

اکنون توجه کنید که برادر برانهام چه گفت:

"حال، نوح و پسرانش سام، حام و یافث از یک شاخه‌ی صالح و درست می‌آیند. ذريت مار چگونه انتقال پیدا کرد؟ آن ذريت وارد کشتی شد، درست مانند همان ابتدا، از طریق یک زن، همسرانشان. آنها ذريت شيطان را در کشتی حمل کردند، درست همان‌طور که حوا ذريت شيطان را دریافت کرد و قائن را زایید، از طریق زن."^۵

سپس درمی‌یابیم که حام از لحاظ ژنتیکی مردی شرور بود. حام، سام و یافث همگی از یک پدر و مادر آمدند، بنابراین درک می‌کنیم که ژنتیک آنها مابقی نژاد بشر را تولید کرد، لیکن نه فقط ژنتیک خود آنها. همسرانشان نیز برای تولید فرزندان ژنتیکشان را ادغام کردند. بنابراین، از طریق همسرانشان و ژنتیک حام، سام و یافث ذريت مار به تمامی نژاد بشر ارث رسید. ما نمی‌توانیم بگوییم همسران حام، سام و یافث توسط مار آبتن شدند، چون مار نابود شده بود. همچنین نمی‌توانیم که با مرد دیگری رابطه داشتند. در غیر این صورت این کلام را زیر پا می‌گذاریم که اعمال رسولان ۲۶:۱۷ می‌گوید: "و هر امت انسان را از یک خون ساخت تا بر تمامی روی زمین مسکن گیرند..." پس تمام ساکنین زمین از نوح می‌آیند.

^۵ E ۰۹۲۸-۰۵۸، ذريت مار، برادر ویلیام ماریون برانهام

در نتیجه می‌بینیم که هیچ ذریت مار اصیلی بر روی زمین نیست. همگی زیر گناه فروخته شده‌اند، همگی از جلال خدا قاصر آمده‌اند، هیچ کس صالح نیست، حتی یک نفر. برادر برانهام گفت: "هر کدام از ما یک مخلوط از آن نژاد اصیل هستیم." ^۶ آنهایی که عیسی در موردشان گفت که از پدر خود شیطان هستند، آنها علف هرزی بودند که در زمین کاشته شده بود، آنها از پیش برای ملعون شدن تعیین شده بودند. هیچ ژن خدایی در زمان تولد در آنها قرار داده نشده بود. بنابراین، آنها نمی‌توانستند به کلام خدا پاسخ دهند.

"چرا، در مورد تولد از باکره صحبت می‌کنید، آه، این نصف تولد فیزیکی اسرارآمیز نیست، اینکه چطور از پیش توسط خدا تعیین و مقدر شده است.

۸۸. حال، در ابتدا، خیلی زمان پیش، سال‌ها پیش، قبل از آنکه زمان آغاز شود، اگر شما مسیحی تولد تازه یافته هستید، امشب، شما آن موقع در خدا بودید، پدر شما. به همین دلیل است که وقتی شما وارد این زندگی می‌شوید و مسیحیت را اقرار می‌کنید، خوب، همه چیز بد پیش می‌رود، شما تعجب می‌کنید که تمام اینها چیست. شما به فکر فرو رفتید. اما، یک روز، چیزی با شما برخورد کرد. آن چه بود؟ حیاتی که از ابتدا در شما بود." ^۷

برخی به همراه ژن خدا به دنیا می‌آیند و دیگران بدین شکل بدنیا نیامده‌اند. این علامت ژنتیکی به نسل بعدی ما منتقل می‌شود، لیکن این همان حیاتی بود که ابتدا در خدا بود و آدم را تولید نمود. سپس آدم این حیات را به نسل بعدی انتقال داد. برخی با آن متولد می‌شوند، توسط برگزیدگی و مابقی بدون آن، بدون برگزیدگی. به همین دلیل است که خدا یعقوب را دوست داشت و از عیسو بیزار بود، به این دلیل بود که او حیات را در یعقوب قرار داده بود. او می‌دانست که یعقوب نسبت به حق نخست‌زادگی

^۶ ۱۸-۰۳-۶۲، کلام بیان شده همان دانه اصل است، برادر ویلیام ماریون برانهام
^۷ ۱۲-۶۵-۱۲۰۴، ربودگی، برادر ویلیام ماریون برانهام

به آن شکل عمل می‌کند، چون علامت ژنتیکی از ابتدا در او قرار داده شده بود. سرّ کشتی آشکار شد، چون این حیات ناخالص بود که به نژاد بشر ارث رسید.

قدرت از طریق دعا

معمولاً دعا چیزی است که آن را جدی نمی‌گیریم. متأسفانه امروزه و در این دوره ما زمان زیادی را با فیس‌بوک، گوشی‌های آیفون یا اندروید خود صرف می‌کنیم و زمان بسیار کمی را به دعا اختصاص می‌دهیم. ما به پستی زندگی می‌کنیم و قدرت خدا را در زندگی‌مان بسیار کم می‌بینیم، چون بسیار کم دعا می‌کنیم. توجه کنید که رویکرد داوود پادشاه به خدا چه بود.

"[مزمور داود هنگامی که در صحرای یهودا بود.] ای خدا! تو خدای من هستی. در سَحَر تو را خواهم طلبید. جان من تشنه‌ی تو است و جسدم مشتاق تو در زمینِ خشک تشنه‌ی بی‌آب.^۱ چنان که در قدس بر تو نظر کردم تا قوت و جلال تو را مشاهده کنم.^۲ چون که رحمت تو از حیات نیکوتر است. پس لب‌های من تو را تسبیح خواهد خواند.^۳ از این رو تا زنده هستم، تو را متبارک خواهم خواند. و دست‌های خود را به نام تو خواهم برافراشت.^۴ جان من سیر خواهد شد، چنان که از مغز و پیه و زبان من به لب‌های شادمانی تو را حمد خواهد گفت،^۵ چون تو را بر بستر خود یاد می‌آورم و در پاس‌های شب در تو تفکر می‌کنم." مزامیر ۶۳:۱-۶

او صبح زود با دعا به خدا نزدیک می‌شد و به این دلیل این کار را می‌کرد، چون جسم و جانش مشتاق خدا بود. او اشتیاقش برای خدا را به مردی در بیابان توصیف کرد که اشتیاق برای آب دارد. وقتی که شما در بیابان و تشنه هستید، این آدم را از پا درمی‌آورد. شما فقط یک هدف در زندگی خواهید داشت و آن هم پیدا کردن آب برای نجات یافتن است. بنابراین، اگر دعای شما طالب خداست، باید با یک هدف انجام

شود، مانند آن مردی که در بیابان آب بدنش را از دست داده است. او مشتاق بود خدا را در زندگی شخصی‌اش ببیند، همان‌طور که حرکت خدا را در جایگاه مقدس در عموم دیده بود. او می‌خواست که جلال شکینه در زندگی شخصی‌اش واقعیت یابد. او جدا از جلسات کلیسا در خدا خشنودی می‌یافت. او نیمه‌شب در بستر خود خشنودی و شفا را می‌یافت. آمین! مردم ایام داوود درک کرده بودند که مغز استخوان و چربی چیزی است که می‌تواند شخصی قحطی‌زده یا مبتلا به یک بیماری هولناک را شفا دهد. امروز نیز چنین است. سوپ استخوان معده‌تان را ترمیم می‌کند، تاندون‌هایتان را تقویت می‌کند و پوستتان را شفاف‌تر و تمیزتر می‌کند. او طالب شفا، قدرت و سلامتی برای منظرش از جانب خدا بود و اینها از دعایش سرچشمه می‌گرفت.

"زمانی فرا رسیده بود که فرزندان عبرانی باید تصمیم می‌گرفتند، آنها یا باید به تمثیل بت‌پرستی زانو می‌زدند یا ایمان خود به خدای زنده و راستین حفظ کنند. زمانی فرا رسید که تصمیمی باید اتخاذ می‌شد. آنها تصمیم درست را گرفتند و خدا با آنها بود.

زمانی فرا رسید که دانیال نبی باید تصمیم می‌گرفت که یا دعا نکند و سنت دین آن کشور را نگه دارد، یا طبق عرف معمول خود با خدا مشارکت کند، پنجره‌ها را باز کرده و روزانه رو به معبد دعا کند. و دانیال باید تصمیمش را می‌گرفت. و زمان او را مجبور ساخت تا به مکانی برسد که مجبور به انجام این کار شود."^۸

ما باید درک کنیم که دانیال می‌توانست در خفا و در اتاق خود پوشیده از دیگران دعا کند، اما تصمیم گرفت کار همیشگی و معمولش را بدون ترس ادامه دهد. این را تصور کنید، به شما گفته شود که دیگر نباید دعا کنید. آنها نگفتند که شما باید ایمانتان را انکار کنید، آنها نگفتند که شما باید خدای کاذب را پرستش کنید، آنها گفتند شما

^۸ ۵۶-۰۴-۰۸، زمانش نزدیک است، برادر ویلیام ماریون برانهام

نمی‌توانید دعا کنید. دانیال ترجیح می‌داد بمیرد تا اینکه دعای روزانه‌اش را متوقف کند. چند نفر از ما با دعای روزانه طوری برخورد می‌کنیم که حتی نیاز به تهدید مرگ برای متوقف ساختن ما از دعا کردن نیست؟ ما کمی خسته هستیم، پس دعا را متوقف می‌کنیم. این شرم‌آور است!

می‌خواهم نقل قولی را از ای.ام. باندز^۹ برای شما بازگو کنم، او یک خادم متودیست در دوره‌ی جنگ داخلی ایالات متحده بود.

"مردانی که مسیح را به طور کامل در شخصیت خود نشان دادند و دنیا را با قدرت تمام برای او تحت تأثیر قرار دادند، مردانی بودند که به اندازه‌ی کافی با خدا وقت صرف کرده و این را تبدیل به یک ویژگی برجسته از زندگی‌شان کرده بودند. چارلز سایمون^{۱۰} ساعت‌های طولانی از چهار تا هشت صبح را وقف خدا کرده بود. آقای وسلی روزانه دو ساعت دعا می‌کرد. او ساعت چهار صبح شروع می‌کرد. شخصی که او را به خوبی می‌شناخت در موردش نوشت: "او فکر می‌کرد که وظیفه‌اش بیش از هر چیز دیگری دعا است و او را دیده‌ام که با آرامشی در صورتش که نزدیک به درخشیدن است از گنجهی دعا خارج می‌شود." دیوارهای خانه‌ی جان فلیچر^{۱۱} از نفس دعاها و لکه شده بود. او گاهی تمام شب را دعا می‌کرد؛ همیشه، به طور مداوم، با جدیت تمام. تمام زندگی او زندگی از دعا بود. او گفت: "پیش از آنکه دل خود را نزد خدا بلند نکنم، از این صندلی خود بلند نخواهم شد." تهنیت او به یک دوست همیشه چنین بود: "آیا شما را در دعا ملاقات خواهم کرد؟" لوتر گفت: "اگر نتوانم هر روز صبح دو ساعت دعا کنم، آن روز شیطان پیروز خواهد شد. من آن‌قدر کار دارم که نمی‌توانم بدون سه ساعت دعای روزانه ادامه دهم." او یک شعار داشت: "آنکه خوب

EM Bounds^۹
Charles Simeon^{۱۰}
John Fletcher^{۱۱}

دعا کرد، خوب مطالعه کرده است.^{۱۲}'''

"من باید پیش از دیدن کسی دعا کنم. اغلب وقتی به مدت طولانی می‌خوابم، یا زود هنگام با دیگران ملاقات می‌کنم، ساعت یازده یا دوازده است که رازگهان را شروع می‌کنم و این سیستم نامناسبی است. غیر کتاب مقدسی است. عیسی پیش از شروع روز بیدار می‌شد و به مکان خلوتی می‌رفت. داوود می‌گوید: "در سحر تو را خواهم طلبید، صبحگاهان آواز مرا خواهی شنید." دعای خانوادگی بسیاری از قدرت و شیرینی‌اش را از دست می‌دهد و من منفعتی برای آنانی که می‌خواهند من را ببینند نخواهم داشت. وجدان در عذاب، جان تغذیه نشده و چراغدان بدون روغن. سپس زمانی که جان در رازگهان قوت نیافته باشد، احساس می‌کنم بسیار بهتر است که با خدا آغاز کنم - اینکه نخست صورت او را بینم و جان خود را به او نزدیک کنم، پیش از اینکه به شخص دیگری نزدیک کنم."^{۱۳}

"حال، داخل شوید. و شما مسیحیان، دیگر در آن وضعیت ولرم نمانید. همه چیز را کنار بگذارید. تا آنجا که می‌توانید به خدا نزدیک شوید. با او راه بروید، با او صحبت کنید. بگذارید هر چیز دیگر در برابر زندگی دعای شما در مرتبه‌ی دوم قرار گیرد. همیشه او را خشنود سازید."^{۱۴}

"من شما را به چالش می‌کشم که قلب خود را بار دیگر به او بسپارید... تبدیل به مردان و زنان دعا شوید. اجازه ندهید زندگی فرصت نزدیک شدن به خدا و تأثیر گذاشتن ابدی بر دنیا از طریق دعا را از شما بدزدد. دعا کردن بزرگ‌ترین کاری است که می‌توانیم انجام دهیم؛ و برای درست انجام دادنش باید آرامش، زمان و شور وجود داشته باشد؛ در غیر این صورت تبدیل به کوچک‌ترین و پست‌ترین چیزها می‌شود.

^{۱۲} قدرت از طریق دعا، ای.ام. باندر

^{۱۳} رابرت موری مک کین

^{۱۴} ۵۰۰۰۸۱۴، شهادت، برادر ویلیام ماریون برانهام

دعای راستین بهترین نتیجه را برای نیکویی به ارمغان می‌آورد و دعای ضعیف کم‌ترین نتیجه را در بر دارد. ما نمی‌توانیم خیلی زیاد دعای راستین انجام دهیم؛ ما نمی‌توانیم خیلی کم دعا کنیم. ما باید یک هنر تازه و حیرت‌آور را یاد بگیریم، ما نباید اینجا و آنجا بخشی را بدهیم – " کمی صحبت با عیسی، " همان‌طور که آن قدیس می‌خواند- اما ما باید بهترین ساعات روز را برای خدا و دعا بخواهیم و نگه داریم، یا ارزشی در نام او نخواهد داشت. " ۱۵

بزرگ‌ترین سلاحی که در زرادخانه داریم، دعا است. ما یا می‌توانیم از آن برای جلال خدا استفاده کنیم یا می‌توانیم از خدا نافرمانی کنیم و عدم اشتیاق خود را به او نشان دهیم. خدا به ما کمک کند و ما را از شرارت قلبمان که از دعا رو برگردانده و می‌گریزد، آزاد کند. شیطان همه چیز را در راه ما قرار می‌دهد تا ما را از دعا بازدارد.

"دعاهای طولانی‌تر در ساعات‌های آغازین روز می‌تواند زندگی روحانی فاسد بسیاری را احیاء و تقویت کند. دعاهای طولانی‌تر در ساعات‌های آغازین روز در یک زندگی مقدس خود را آشکار می‌سازد. اگر سرسپردگی ما کوتاه و عجولانه نبود، زندگی مقدس چیزی بسیار نادر و یا خیلی دشوار نمی‌بود. اخلاق مسیحی در رایحه‌ی شیرین و سردش این‌قدر بیگانه و ناامیدکننده نمی‌بود، اگر در اتاق دعا طولانی‌تر و راسخ‌تر می‌ماندیم. ما سطحی زندگی می‌کنیم، چون خسیسانه دعا می‌کنیم. " ۱۶

^{۱۵} قدرت از طریق دعا، ای.ام.باندز
^{۱۶} قدرت از طریق دعا، ای.ام. باندز

برگزیدگی و از پیش مقدر شدگی

این موضوعی است که اغلب در دنیای تثلیثی اشتباه درک می‌شود. متأسفانه ایمانداران بسیاری در پیغام وجود دارند که از واقعیت کامل این حقیقت مطلع نیستند. آنها می‌شنوند که برادر برنهام می‌گوید برگزیدگی براساس آگاهی از پیش خدا است، و آنها به استنتاج آرمینیوس می‌رسند که خدا صرفاً از انتخاب‌های شخصی ما مطلع است. این دیدگاه هم حاکمیت خدا و عمق طبیعت سقوط کرده‌ی ما را زیر پا می‌گذارد.

کتاب مقدس مشخصاً نشان می‌دهد که ما دارای طبیعتی فاسد هستیم که گناه را دوست دارد و از آن لذت می‌برد. این بخش طولانی است، اما می‌خواهم تمامش را بخوانید و سپس به نکات مهمی می‌پردازیم که به این مطالعه مربوط هستند.

۹ "پس چه گوئیم؟ آیا برتری داریم؟ نه به هیچ‌وجه! زیرا پیش ادعا وارد آوردیم که یهود و یونانیان هر دو به گناه گرفتارند. ۱۰ چنان که مکتوب است که کسی عادل نیست، یکی هم نی. ۱۱ کسی فهیم نیست، کسی طالب خدا نیست. ۱۲ همه گمراه و جمیعاً باطل گردیده‌اند. نیکوکاری نیست یکی هم نی. ۱۳ گلوی ایشان گور گشاده است و به زبان‌های خود فریب می‌دهند. زهر مار در زیر لب ایشان است، ۱۴ و دهان ایشان پر از لعنت و تلخی است. ۱۵ پای‌های ایشان برای خون ریختن شتابان است. ۱۶ هلاکت و پریشانی در طریق‌های ایشان است، ۱۷ و طریق سلامتی را ندانسته‌اند. ۱۸ خدا ترسی در چشمانشان نیست. ۱۹ الآن آگاه هستیم که آنچه شریعت می‌گوید، به اهل شریعت خطاب می‌کند تا هر دهانی بسته شود و تمام عالم زیر قصاص خدا آیند. ۲۰ از آنجا که به اعمال شریعت هیچ بشری در حضور او عادل شمرده نخواهد شد، چون که از شریعت دانستن گناه است." رومیان ۹:۳-۲۰

می‌بینیم پولس رسول به ما تعلیم می‌دهد که: "کسی عادل نیست. کسی فهیم

نیست، کسی طالب خدا نیست." عادل بودن، یعنی در موقعیتی در حضور خدا باشید که او اعلام کند شما بدون قصور هستید. کتاب مقدس به وضوح به ما تعلیم می‌دهد که همه‌ی ما به دلیل گناه در حضور خدا گناهکار هستیم، هم گناهی که از آدم به ما ارث رسید و هم گناهان شخصی.

سپس می‌خوانیم که کسی طالب خدا نیست. این امر مهمی است، چون نشان دهنده‌ی عدم توانایی ما در حالت طبیعی از زمان تولد برای طلبیدن خداست. ما زیر گناه فروخته شده‌ایم و قادر به طلبیدن خدا نیستیم. این خصوصاً با اراده‌ی ما مرتبط است و به وضوح نشان می‌دهد که اراده‌ی آزاد ما باعث نمی‌شود ما طالب خدا باشیم، یا در واقع خدا را برگزینیم. توجه کنید که پولس رسول در رومیان ۹:۱۶ چه می‌گوید: "لاجرم نه از خواهش کننده و نه از شتابنده است، بلکه از خدای رحم کننده." نجات ما نشأت گرفته از انتخاب یا اراده‌ی شخصی‌مان نیست، بلکه از جانب خداست که به ما رحم می‌کند. به اعمال یا اراده‌ی ما بستگی ندارد. پولس در آیه‌ی ۱۱ همین باب در مورد یعقوب و عیسو می‌نویسد: "زیرا هنگامی که هنوز تولد نیافته بودند و عملی نیک یا بد نکرده، تا اراده‌ی خدا برحسب اختیار ثابت شود، نه از اعمال، بلکه از دعوت کننده." پولس نشان می‌دهد که والاترین هدف، آزادی اراده‌ی انسان نیست، بلکه «هدف خدا براساس برگزیدگی» است. بیایید کمی جلوتر برویم و بگوییم که اراده‌ی انسان توسط خدا پذیرفته نشده است. براساس طبیعت سقوط کرده‌مان، ما نه می‌توانیم طالب نیکویی و نه طالب خدا باشیم. ما از خدا نمی‌ترسیم، بلکه از او بیزار و متنفریم. ما در طبیعت خود از خدا فراری هستیم. عیسی مسیح می‌گوید: "کسی نمی‌تواند نزد من آید، مگر آنکه پدری که مرا فرستاد، او را جذب کند..."

خداوند ما عیسی مسیح وعده‌ی خود را با این جمله آغاز می‌کند: "کسی نمی‌تواند نزد من آید." همان‌طور که پولس گفت: "نه از خواهش کننده." سپس خداوند استثنایی را برای این قانون به ما می‌دهد و آن هم این است، "مگر آنکه پدری که مرا

فرستاد او را جذب کند." یعنی پدر او را جذب کرده و برایش آشکار می‌سازد که عیسی مسیح کیست. من می‌خواهم بر روی کلمه‌ی «جذب» از زبان یونانی تأکید کنم. این کلمه در زبان یونانی «هلکو»^{۱۷} و به معنای «کشیدن» است. این وضعیت انسانی ما است، ما در گناه متولد شده‌ایم و در خطایا شکل گرفته‌ایم. جسم سقوط کرده‌ی ما باعث می‌شود که صورت خود را از مسیح پنهان کنیم، چنان که در اشعیا ۳:۵۳ مکتوب است. این نشان می‌دهد که ما مسیح عیسی را موجود منفوری قلمداد کردیم، به همین دلیل زمانی که به او نگاه کردیم، صورت خود را در کراهت به سوی دیگری برگرداندیم. اما آنانی که توسط خدا برگزیده شده‌اند، به معنای واقعی کلمه بواسطه‌ی فیضش به سوی مسیح کشیده می‌شوند.

یکی از چندین اعتراضی که به این حقیقت می‌شود، از یوحنا ۱۶:۳ است.

"زیرا خدا جهان را این قدر محبت نمود که پسر یگانه‌ی خود را داد تا هر که بر او ایمان آورد، هلاک نگرده؛ بلکه حیات جاودانی یابد."

بنابراین، خدا جهان را دوست دارد و به همین دلیل پسر یگانه‌اش را برای نجات داد، و هرآنکه ایمان آورد، حیات جاودان را خواهد یافت. مدافعین تعلیم اراده‌ی آزاد خواهند گفت که نجات به تمام مردم جهان پیشنهاد شده است. اما سؤال این است، چه کسی ایمان دارد؟ آیا تمام دنیا ایمان دارد؟ می‌دانیم که پاسخ این سؤال، خیر است. بنابراین به آنچه در کتاب اعمال رسولان می‌خوانیم، توجه کنید.

"چون امت‌ها این را شنیدند، شاد خاطر شده، کلام خداوند را تمجید نمودند و آنانی که برای حیات جاودانی مقرر بودند، ایمان آوردند." اعمال رسولان ۴۸:۱۳

بنابراین عبارت "هر که ایمان آورد" آنهایی هستند که "برای حیات جاودانی

^{۱۷} helkuo

مقرر شده بودند. " آیا این بدین معناست که ما بی‌اعتنا هستیم و می‌گوییم که چیزی بعنوان اراده‌ی آزاد وجود ندارد؟ نه، اما می‌توانیم به وضوح بینیم که اراده‌ی آزادمان، ما را نجات نمی‌دهد، بلکه فیض خداست که باعث می‌شود خون عیسی مسیح را بپذیریم. برادر برانهام به ما چنین می‌گوید:

" شما در یک ساختار اخلاقی آزاد قرار دارید. شما می‌توانید آن‌طور که مایلید، رفتار کنید."^{۱۸}

ما به وضوح آزادی اراده داریم، اما این پایه‌ی نجات ما نیست. مکاشفه ۱۷:۲۲ به ما می‌گوید: " هر که خواهش دارد بیاید..." و یوحنا ۵:۴۰ به ما می‌گوید: " و نمی‌خواهید نزد من آید تا حیات یابید." هر دو آیه نشان می‌دهند که ما انتخاب کرده و تصمیم می‌گیریم که آیا مسیح را بپذیریم یا رد کنیم. ما در دنیای خود مسیح را انکار خواهیم کرد، اما براساس فیض خدا به سوی مسیح کشیده می‌شویم. همچنین می‌خواهیم بر این نکته تأکید کنم تا تطابقی میان اراده‌ی آزاد و حاکمیت خدا باشد. خدا برخلاف انسان به گذشته بند و مقید نیست. همه چیز برای خدا «حال» است. گذشته هرگز گذشته نیست و آینده همیشه حاضر است. تغییرناپذیری نقشه‌ی مقتدر خدا مغایر با اراده‌ی آزاد ما و توانایی خدا برای پاسخ دغاهایمان نیست. اگر از جهت دیگری به این موضوع نگاه کنیم، انتخاب‌های شخصی مان به ما تحمیل نشده‌اند؛ ما چیزی را که برایش اشتیاق داریم، انتخاب می‌کنیم. با این حال، خدا می‌تواند انتخاب‌های ما را بدون تحمیل کردنشان به ما مقدر سازد، او این کار را بوسیله‌ی پرداختن به طبیعتی که در ژنتیک، تجربیات شخصی و خانواده‌ای که در آن به دنیا آمده‌ایم، انجام می‌دهد. اینها روی انتخاب‌های شخصی مان تأثیر می‌گذارند. تمامی این چیزها برای جهت دادن موقعیت‌هایمان توسط خدا مقدر شده‌اند. بیاید دقیق‌تر و براساس کتاب مقدس به برگزیدگی نگاه کنیم.

^{۱۸} ۱۲۰۵-۶۵، اموری که باید به وقوع بپیوندند، برادر ویلیام ماریون برانهام

"و می‌دانیم که بجهت آنانی که خدا را دوست می‌دارند و بحسب اراده‌ی او خوانده شده‌اند، همه چیزها برای خیریت [ایشان] با هم در کار می‌باشند." رومیان ۲۸:۸

در این آیه به نظر می‌رسد که خدا می‌گوید همه چیز برای خیریت ما با هم در کار است، اما من می‌خواهم نشان دهم که این آیه آن‌طور که ما فکر می‌کنیم، نمی‌گوید که همه چیز به طور اتفاقی برای خیریت ما در کار هستند. ما فکر می‌کنیم که «خیریت» به معنای داشتن زندگی آرام، لذت بردن از زندگی در خانه‌های ویلایی، مواجه نشدن با شرایط بد و غیره است. این اصلاً آن چیزی نیست که پولس به ما می‌گوید. به آیه ۳۵ باب ۸ کتاب رومیان توجه کنید، به ما وعده داده شده که مصیبت، دل‌تنگی، جفا، قحط، عریانی، خطر یا شمشیر نمی‌تواند ما را از محبت مسیح جدا سازد. به وضوح اینها چیزهای نیکویی نیستند. خدا وعده نمی‌دهند که ما را از مصیبت و جفا می‌رهانند. بلکه وعده می‌دهد که «همه چیز»، چیزهایی مانند مصیبت، قحطی، عریان، هلاکت، شمشیر برای خیریت با هم در کار می‌باشند. پس آن خیریت خدا که با همه چیز در کار است، چیست؟ خدا وعده می‌دهد که این کار را برای خیریت روحانی و ابدی‌مان انجام دهد. پولس در دوم قرنتیان ۱۷:۴ می‌نویسد: "زیرا که این زحمت سبک ما که برای لحظه‌ای است، بار جاودانی جلال را برای ما زیاده و زیاده پیدا می‌کند." ایمان دارم که این وعده‌ی روشن خداست که «همه چیز» برای خیریت روحانی ما در این زندگی و خیریت ابدی در زندگی بعد در کار است.

آنهایی که این وعده را دریافت می‌کنند، آنهایی هستند که خدا را دوست دارند، و این حقیقت که آنها خدا را دوست دارند، نشان می‌دهد که آنها بر طبق هدف او خوانده شده‌اند. آزمایشات و مصائب آنهایی که خدا بر طبق برنامه‌ی ابدی‌اش خوانده است، برایشان به خیریت روحانی و ابدی مبدل خواهد شد.

"زیرا آنانی را که از قبل شناخت، ایشان را نیز پیش معین فرمود تا به صورت پسرش متشکل شوند تا او نخست‌زاده از برادران بسیار باشد." رومیان ۸:۲۹

این صرفاً پیش‌دانی خدا از وقوع وقایع آینده نیست که او پیش‌بینی کند و دقیقاً بگوید که در آینده چه خواهد شد. بلکه آگاهی مشخصی از آنهایی است که او برای حیات ابدی در عیسی مسیح برگزیده ست. خدا صرفاً از پیش از انتخاب‌های ما آگاه نیست. افسسیان ۱:۱۱ "از پیش معین گشتیم برحسب قصد او که همه‌ی چیزها را موافق رأی اراده‌ی خود می‌کند." نشان می‌دهد که ما از پیش توسط پیش‌دانی خدا معین شده‌ایم. ما در رومیان ۸:۲۹ توسط پیش‌دانی خدا از پیش معین شده‌ایم. این صرفاً نمی‌تواند یک پیش‌بینی از انتخاب‌های ما باشد، بلکه خدا ما را برای حیات جاودانی معین کرده است و براساس نقشه‌اش عمل می‌کند. همان‌طور که کتاب مقدس به ما می‌گوید او "همه‌ی چیزها را موافق رأی اراده‌ی خود می‌کند." این براساس انتخاب‌های شخصی ما نیست، بلکه براساس انتخاب شخصی خداست. عیسی گفت: "شما مرا برنگزیدید، بلکه من شما را برگزیدم." از پیش معین شده، یعنی خدا از پیش تقدیرمان را مقرر می‌سازد. تقدیرمان باید با صورت پسرش تأیید شود. او ما را پیش از بنیاد عالم برگزید و مقرر نمود که به شباهت پسرش باشیم. این صرفاً از بدست آوردن بدن جلال‌یافته سخن نمی‌گوید، بلکه اینکه هدف خدا در این زندگی برای ما این است که برگزیدگانمانند عیسی مسیح عمل و صحبت کنند.

"و آنانی را که از قبل معین فرمود، ایشان را هم خواند و آنانی را که خواند، ایشان را نیز عادل گردانید و آنانی را که عادل گردانید، ایشان را نیز جلال داد." رومیان ۸:۳۰

خوشحالم که کلام خدا در این آیات در زمان گذشته صحبت می‌کند، گویی همه این چیزها در ذهن خدا تکمیل و تمام شده است. به عبارت‌های «خواند»، «عادل گردانید» و «جلال داد» توجه کنید. خدا از طریق خواندگی ما را به سوی مسیح جذب می‌کند، عادل شمردگی از خدایی سخن می‌گوید که ما را بواسطه‌ی عیسی مسیح پارسا اعلام کرده و «جلال یافته» ما هستیم که بدن تازه‌ی غیرفانی‌مان را در ربودگی دریافت می‌کنیم. اینها در نظر خدا کارهای تمام شده است. در پایان این مقاله نقل قول‌هایی از

برادر برانهام در مورد این موضوعات را خواهیم آورد.

"۵۵. نخست، ما خود را گناهکار و لایق محکومیت می‌دانیم. و همه‌ی ما در گناه متولد شده و در معصیت سرشته شده‌ایم؛ ذره‌ای از ما کامل نیست. ذهن ما بد است؛ جان ما فسادپذیر است؛ افکار ما دایم شریر است، هر تفکر خیالی ذهن انسان شریر است، یک گناهکار؛ هم‌چنین بدن ما ضعیف است؛ روح ما بد است و ما مملو از فساد هستیم. چطور یک چیز فسادپذیر می‌تواند چیزی نیکو از فساد به ارمغان آورد؟ بگذارید این را بگویم، ایوب در باب ۱۴ می‌گوید: "انسان که از زن زاییده می‌شود، پر از زحمات و اندوه است. مثل گل می‌روید و بریده می‌شود و نمی‌ماند." او بعنوان یک نبی ادامه داده و می‌گوید: "کیست که چیز طاهر را از چیز نجس بیرون آورد؟ هیچ کس نیست." شما سطل خود را در چاه انداخته، آب را به بالا می‌کشید و آن آب را کد است، بو می‌دهد؛ داخل آب را نگاه می‌کنید، آب گل‌آلود است و کرم‌های کوچک داخل آب هستند؛ شما به هیچ وجه برای برداشتن آب تمیز دیگر سطل خود را به داخل آن چاه نمی‌اندازید. کل آن چاه آلوده شده است. تمام جان، ذهن و بدن انسان آلوده به گناه شده و در گناه به دنیا آمده است، جسماً در معصیت سرشته شده، به دنیا آمده و دروغ می‌گوید، زیرا که جانش آلوده است: چیز خوبی نیست. کسی نمی‌تواند دپگری را نجات دهد، چون همه در اشتباهند. و شما نمی‌تواند از چاهی که آلوده شده است، یک سطل آب تمیز بردارید و یک سطل آب آلوده را برداشته و با آن قاطی کنید؛ این‌طوری آلودگی بیشتری خواهید داشت. هیچ تطهیری برای انجام این کار وجود ندارد." ۱۹

"۱۷. آنها احتمالاً، او یک کشاورز بود که در وادی شینار زندگی می‌کرد و زندگی عادی داشت. او احتمالاً در طول روز بیرون می‌رفت و خوراکش را از بوته‌ها

^{۱۹} M ۱۲۳۱-۶۱، باید تولد تازه بیابید، برادر ویلیام ماریون برانهام

تهیه می‌کرد، توت می‌چید و چنین زندگی‌ای داشت. یک انسان عادی، چیز خاصی در مورد او وجود نداشت. اما یک روز، خدا او را فراخواند. این تفاوت را ایجاد کرد، زمانی که خدا فراخواند.

۱۸. و در هر زندگی نیز چنین است. خدا را نیاز دارد. این کاری نیست که شما انجام می‌دهید؛ این کاری است که خدا انجام می‌دهد. می‌بینید؟ شما می‌گویید: "من خدا را طلبیدم. من خدا را طلبیدم." شما اشتباه می‌کنید. هیچ انسانی طالب خدا نیست. خدا طالب انسان است. می‌بینید؟ شما نیستید که خدا را می‌طلبید؛ خداست که شما را می‌طلبد.

۱۹. عیسی گفت: "شما مرا برگزیدید، بلکه من شما را برگزیدم." می‌بینید؟ بنابراین یا شما پیش از بنیاد عالم برگزیده شدید، یا اصلاً برگزیده نشده‌اید. او فقط برای نجات آن اسم می‌آید. و تمامی کسانی که اسمشان در دفتر حیات بره نیست... تنها اشخاصی که پیش از بنیاد عالم برگزیده شدند، در آنجا خواهند بود؛ به هر حال. می‌بینید؟ شما پیش از بنیاد عالم در او برگزیده شدید. زمانی که بره برگزیده شد، شما نیز با او برگزیده شدید، پیش از بنیاد عالم.

۲۰. و همان‌طور که شب گذشته گفتم، شما جنبه‌ای از فکر خدا هستید. می‌بینید، این تنها راهی است که می‌توانید جاودان باشید، تنها حالت حیات جاودان. تنها یک حالت برای حیات جاودان وجود دارد و آن خداست. بنابراین، ختم کلام، فقط او جاودان است.^{۲۰}

"او به همین دلیل آمد، تا آنانی را که پدر پیش از بنیاد عالم به او سپرده بود، طاهر سازد. آمین! وقتی می‌دانم این موضوع حقیقت دارد، حسی روحانی دارم." نه از خواهش کننده و نه از شتابنده است، بلکه از خدا. "آمین! نه از اینکه چقدر کار انجام داده یا نداده‌اید. هیچ انسانی طالب خدا نیست، خدا شما را طلبید."^{۲۱}

^{۲۰} ۶۴-۰۴۰۳، بوهه بری #۱، برادر ویلیام ماریون برانهام
^{۲۱} ۶۴-۰۳۱۲، زمانی که چشمانشان باز شد، او را شناختند، برادر ویلیام ماریون برانهام

"۴۶. آن کوزه گر، چنان که رومیان باب ۸ به ما می گوید: "که می تواند به کوزه گر بگوید؟ آیا گِل می تواند بگوید من را چنین بساز؟" می بینید؟ نه. خدا باید تمامی صفاتش را نشان دهد. بنابراین باید یک ظرف عزیز و یک ظرف ذلیل بسازد تا آن را نشان دهد. حال، لیکن او حاکم مطلق است، می بینید، هیچ کس نمی تواند به او بگوید چه کاری انجام دهد." ۲۲

"۵۰. و به یاد داشته باشید، چشمانتان، قامتتان، هر آنچه که بودید، شما از ابتدا در فکر او بودید. و شما فقط یک عبارت، یک کلمه هستید. او پس از فکر کردن به آن، آن را بیان داشت و حال شما اینجا هستید. اگر چنین نبود و شما در فکر او نبودید، غیرممکن بود که شما اینجا باشید، چون او کسی است که حیات جاودانی می دهد.

۵۱. به یاد دارید که ما چطور کتاب مقدس را می خوانیم؟ "نه از خواهش کننده و نه از شتابنده است، بلکه از خدا!" و اینکه پیش برگزینی او می تواند ثابت و درست باقی بماند، او می توانست پیش از هر زمانی اشخاص را برگزیند. خدا در انتخابش حاکم مطلق است. آیا این را می دانستید؟ خدا حاکم مطلق است.

چه کسی آن موقع آنجا بود تا راهی بهتر برای ساخت دنیا به او بگوید؟ چه کسی جرأت می کرد به او بگوید که او کارش را اشتباه اداره می کند؟
حتی خود کلام، خود، بسیار مطلق است. حتی مکاشفه مطلق است. "او به آنکه بخواهد، مکشوف می سازد." خود مکاشفه در خدا مطلق است. مردم این چنین به مسائل می پردازند و چنگ می اندازند، بدون اینکه بدانند چه می کنند. خدا در کارهایش مطلق است." ۲۳

"۱۲۹. حال، روح القدس می آید. البته، فرستاده نشد... چرا همه ی مردم آن را دریافت نمی کنند؟ برای ایشان فرستاده نشد.

^{۲۲} ۶۴-۱۲۱۲، زمان برداشت و درو، برادر ویلیام ماریون برانهام
^{۲۳} ۶۵-۰۲۲۱E، این ملک یصدق کیست؟، برادر ویلیام ماریون برانهام

۱۳۰. شخصی به من گفت: "من ایمان ندارم. برایم مهم نیست شما چه می‌گویید. اگر می‌توانستید مرده‌ای را زنده کنید یا هر چه، مریضان را شفا دهید و آن را ثابت کنید، به هر حال، باز هم ایمان نخواهم آورد."

۱۳۱. من گفتم: "قطعاً ایمان نمی‌آوردید. شما یک بی‌ایمان هستید. اینها برای شما هیچ معنایی ندارد. برای شما فرستاده نشده است. برای آنانی فرستاده شده است که ایمان می‌آورند."

۱۳۲. پیغام برای ایماندار است. برای هالکان حماقت است، لکن نزد آنانی که در مسیح هستند و بخشی از آن دانه هستند، حیات است."^{۲۴}

"۴۸. اگر از جانب خدا باشد، باید مطابق کتاب مقدس باشد، چون این امر حضور خدا را توجیه کرده و به اثبات می‌رساند. و او از پیش تمامی این چیزها را می‌دانست... او توسط پیش‌دانی‌اش معین نمود، هر دوره، هر انسان و هر پیغام‌آور را در مکان خود مناسب از پیش معین نمود (در کتاب مقدس «از پیش تعیین شدن» خوانده شده است.) او خداست، شیطان هیچ قدرتی بر او ندارد. او خداست و وقوع همه چیز را معین نموده، این کاملاً مطابق با کلامش است."^{۲۵}

"در ملکوت خدا با حیات جاودان به همراه از پیش‌برگزیدگی است که هرگز شروعی نداشت. هرگز در آن روز شروع نشد. شما در هیچ روز خاصی نجات نیافتید. شما همیشه نجات یافته بودید. آمین! عیسی فقط برای رهایی آمد؛ اما شما از ابتدا نجات یافته بودید، چون از ابتدا حیات جاودانی داشتید.

۲۳۳. ماهی قزل‌آلا هرگز نمی‌تواند یک نیزه‌ماهی یا بچه قورباغه باشد. ممکن است با آنها در همان آب باشد، اما او از ابتدا یک قزل‌آلا بود. تور فقط او را گرفت،

^{۲۴} ۱۸۸۴-۶۵، وقت طلوع آفتاب است، برادر ویلیام ماریون برانهام
^{۲۵} ۱۲۰۶-۶۵، رویدادهای مدرن که توسط نبوت روشن شده‌اند، برادر ویلیام ماریون برانهام

می‌بینید، لیکن او از ابتدا همان بود. این...^{۲۶}

"حال، «پیش‌برگزیده» کلمه‌ی بزرگی است، اما همه می‌دانیم که حقیقت دارد. ما کاملاً می‌دانیم که خدای نامتناهی پیش از بنیاد عالم توسط پیش‌دانی‌اش همه چیز را از پیش معین کرد، حتی بره‌ای که کشته شد. و تمامی اسامی پیش از آنکه آن دفتر نوشته شود، در آن دفتر قرار داده شده بود. حال چند نفر می‌دانند که این حقیقت دارد؟ [جماعت می‌گویند: "آمین!"]

۳۶۲. و عیسی برای رهایی آنانی که اسمشان در آن دفتر بود، آمد. بر طبق کتاب مقدس، برّه از پشت پرده آمد و آن دفتر را گرفت و مَهرهایی را که کتاب به آنها مَهر شده بود، باز کرد. او برای بدست آوردن آنانی که رها ساخته بود، آمد. او اکنون شفاعت‌کننده است، شافی‌ای که برای آنانی که رها ساخته است، شفاعت می‌کند. تمام کسانی که اسمشان در دفتر حیات برّه نوشته شده و رها شده بودند.^{۲۷}

"او نمی‌خواست که شما هلاک شوید. او لایتناهی است، او باید در همان ابتدا از انتها مطلع می‌بود، در غیر این صورت او خدا نیست. بنابراین عیسی هرگز به زمین نیامد تا بگوید: "خوب، خواهم دید که آیا کسی رحمت... اگر این کار را کرده و به سختی بمیرم، آنها احتمالاً فکر خواهند کرد، خوب، من... این دل آنها را ترغیب خواهد کرد، و آنها خواهند... " خدا کارش را این‌چنین پیش نمی‌برد.

۸۵ عیسی برای یک هدف خاص آمد و آن هم نجات دادن آنانی است که خدا پیش از بنیاد عالم می‌دانست که نجات خواهند یافت. او چنین گفت. درست است. بنابراین شما... "لاجرم نه از خواهش‌کننده و نه از شتابنده است، بلکه از خدای رحم‌کننده " پولس این را گفت. همان مرد در اینجا.^{۲۸}

^{۲۶} ۶۴-۰۸۰۲، خانه آینده داماد آسمانی و عروس زمینی، برادر ویلیام ماریون برانهام
^{۲۷} ۶۵-۰۴۲۶، اثبات کلامش، برادر ویلیام ماریون برانهام
^{۲۸} ۵۷-۰۸۲۱، عبرانیان #۱، برادر ویلیام ماریون برانهام